



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت‌وگو با یلدا انگالی،

مدرس، شاعر و ترانه‌سرا

هنرمند، در هر

شرایطی راه خودش

را پیدا می‌کند

پریسا اسماعیلی نیا - یلدا انگالی، مدرس، شاعر و ترانه‌سرا ۱۳ دی ماه ۱۳۶۷ در تهران متولد شد و در محیطی فرهنگی و آمیخته به هنر و موسیقی پرورش یافت. وی از نه سالگی به عنوان کودکی که نه دقیقاً می‌دانست شعر و ترانه چیست و نه قوه تشخیص تفاوت آن‌ها را داشت، سرودن را آغاز کرد. این شاعر و ترانه‌سرا کم‌کم با حمایت خانواده و ورود به فضاهای فرهنگی در آغاز ۱۲ سالگی، از طریق همکاری با نشریات معتبر موفق شد به عنوان یک نوجوان مسیر هنری خود را پیدا کند و فعالیت‌های ادبی‌اش را بی‌بگیرد. سپس در سنین جوانی هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه سراسری امور اقتصادی تهران در رشته مدیریت، ورود رسمی به عرصه سرایش ترانه و همکاری با خوانندگان و آهنگ‌سازان مطرح کشور، آغاز فعالیت رسمی وی در حوزه موسیقی را رقم زد. هر چند با توجه به آثار منتشره اعم از کتاب مجموعه ترانه‌هایش و اشعاری که توسط خوانندگان به اجرا رسیده، عامه مردم او را به عنوان شاعر و ترانه‌سرا می‌شناسند، اما در حال حاضر عمده فعالیت‌های او تدریس در زمینه شعر و ترانه به هنرجویان علاقه‌مند و همچنین مدیریت تولید آثار موسیقایی شامل تک آهنگ و آلبوم‌ها و نیز بعضاً برگزاری رویدادهای هنری است. یلدا انگالی به عنوان سفیر برند نیز با برخی از مجموعه‌های معتبر همکاری دارد. در ادامه، گفت‌وگو با این بانوی هنرمند را می‌خوانید.

چه نوع شعری را دارای رسالت و مناسب جهان معاصر می‌دانید؟

ما نمی‌توانیم گستره شعر را محدود بدانیم و مناسبی را برای جهان معاصر شعراً مشخص کنیم. واقعیت آن است که هر فضای شعری‌ای در محدوده سلیقه مخاطبانش مفید است. چه بسیار کارهای کلاسیکی که تصور نمی‌شده اما همچنان علاقه‌مندان خودش را حفظ کرده و هنوز ارزشمند است و در مقابلش آثار به شدت مدرنی که باز در کمال تعجب استادان، شنونده ثابت خود را

یافته است.

در واقع هر دو گروه، موافقان و مخالفانش را دارد. من شخصاً معتقدم که هر زبان و هر سبکی راه خود را پیدا می‌کند، ولو این که ما موافق یا مخالف باشیم؛ بنابراین من فضاهای شعری را به قاعده معاصر بودن، محدود به فضای خاصی نمی‌بینم و بر این باورم که تفاوت در فضا و سبک و سلیقه، نه تنها ارزشمند بلکه ضروری است.

آیا شعر را برآمده از ذوق و الهام می‌دانید یا می‌توان سرودن شعر را در کارگاه‌ها و انجمن‌ها آموخت؟

بحث ذوق و الهام و بحث آموزش دیدن سرایش از پایه با هم منافاتی ندارد. با در نظر گرفتن این اصل که سرودن شعر و ترانه اساساً شامل دو بخش است: یکی بخش ذوق و هنر و خلق محتوا و دیگری مبحث ریاضی شعر است که به این نتیجه می‌رسیم سرایش نیز مانند هر شاخه دیگری از هنر، مهندسی خودش را دارد.

آنچه ما در کلاس‌ها به هنرجویان آموزش می‌دهیم نیز، هر دو مبحث است: بخش ریاضی شعر و ترانه شامل سرفصل‌های وزن، قالب، قافیه و ردیف و سایر اصول ریاضی شعر و ترانه و مبحث دیگر خلق محتوا؛ که آنچه در ادامه، افراد را از هم تفکیک می‌کند و هنرجویی را در سطح بالاتر یا پایین‌تر قرار می‌دهد. سطح ذوق و احساس درونی و خلاقیتی است که طبیعتاً در بین افراد متفاوت است. ولی بر اساس تجربه شخصی سالیان تدریس، همواره معتقدم اساساً کسی که برای آموزش دیدن به سراغ کلاس شعر و ترانه می‌آید، قطعاً در گوهره وجودش یک ذوق و استعداد و خلاقیتی نهفته است که با در این مسیر گذاشته، چرا که مقوله سرودن شعر و ترانه به عنوان مثال شبیه به آموزش رانندگی نیست که در نظر بگیریم به علت ضرورت و چون همه افراد به رانندگی نیاز دارند، می‌باید آن را یاد بگیرند.

مهم‌ترین ویژگی شعر شما چیست؟

پاسخ به این سوال کمی دشوار است و شاید باید مخاطب شعر من پاسخ‌گو باشد، اما شخصاً اگر بخواهم اشعارم را در یک ویژگی اصلی خلاصه کنم، فکر می‌کنم این است که قلمم، صرفاً امضای خودم است و از ابتدا نیز همین بوده، شاید چون همان‌طور که قبلاً هم به اولین تجربه سرایشم اشاره شد، یک کودک نه ساله سرودن را

انتخاب نمی‌کند، بلکه این سرایش و شعر و ترانه است که آن بچه نه ساله را برگزیده است؛ بنابراین از همان زمان قلم من، قلم خودم بوده و نه به کسی شبیه بوده و نه حتی اگر می‌خواست می‌توانسته شبیه به کسی باشد! چون دیگری‌ای را نمی‌شناخته! شاید به این دلیل این امضا، امضایی است که به اشعارم تعلق دارد و در طول زمان هم حفظ شده است.

در باره امنیت شغلی در فضای هنری ایران بگویید.

ببینید ما در کشورمان اساساً قانونی به نام «کپی‌رایت» نداریم و همه کسانی که تازه به عرصه هنر وارد می‌شوند، همواره این نگرانی را دارند که مبادا روزی جایی از آثارشان بدون اجازه و یار عایت حقوق مادی و معنوی استفاده شود.

البته الان خوشبختانه دو مقوله، سرقت ادبی را سخت کرده است: یکی این که به لطف فضای مجازی در مسواری که این اتفاق افتاده بوده، با واکنشی که اهالی هنر و مخاطبان‌شان نشان داده‌اند تا حدی ریسک سرقت آثار ادبی به حداقل رسیده. دوم این که وقتی شما به مرور زمان جایگاه خودتان را پیدا می‌کنید و اعتبار و اسمتان شکل می‌گیرد، کمتر پیش می‌آید که کسی ولو بانیت سوء، چنین جسارتی را داشته باشد، چون به هر حال عواقبش متوجهش می‌شود. به هر روی در زمینه امنیت شغلی در عرصه هنر در نهایت معمولاً اسم، اعتبار، رزومه و خوش‌نامی افراد است که می‌تواند پشتوانه‌ای برای امنیتشان باشد.

دیدگاه مثبتی وجود دارد که می‌گوید: بهترین آثار هنری از درون رنج آفریده می‌شود و می‌گویند گرایش انسان در زمان رنج به هنر بیشتر می‌شود؛ چون می‌فهمد بخش‌های دیگر بوج است. نظر شما چیست؟

واقعیت این است که هنرمند چه در شرایط سختی و تنگدستی و چه در شرایط رفاه، ذاتاً هنرمند و در این حوزه فعال و علاقه‌مند است. در زمینه مخاطبان حوزه هنر نیز نمی‌شود حکمی کلی داد، اما چیزی که اهمیت دارد این است که من معتقدم ذات هنر و هنرمند، چه در شرایط سختی و فشار و چه در شرایط رفاه، سرانجام راه خودش را پیدا می‌کند. اصباحر

